

متن پرسش

آیا می‌توان این‌گونه برداشت کرد که شهید دکتر بهشتی نسبت به پدیده‌های مدرن فهمی جامعه‌شناختی دارد چرا که در کتاب اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا از لزوم تطبیق ایدئولوژی اسلام با پدیده‌های مدرن و جدید سخن می‌گوید و به همین علت رویکردی‌گزینش‌گرانه نسبت به غرب مدرن دارد در حالی که افرادی چون آیت‌الله جوادی آملی که دارای صبغه‌ای فلسفی هستند با رویکردی مبتنی بر هستی‌شناسی و جهان‌شناسی غرب مدرن را تحلیل می‌کنند و در نتیجه مدرنیته را یا رد می‌کنند و یا رویکرد گزینش‌گرانه کمتری نسبت به شهید بهشتی دارند؟ با عرض معذرت اگر ممکن است جواب این سوال را در اسرع وقت بدهید چون برای موضوع پایان‌نامه‌ام حیاتی و ضروری است. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هر دوی این بزرگواران متوجهی رسالت تاریخی و نقش تاریخی انقلاب اسلامی هستند و هر دوی این امر باید در مواجهه با غرب مدّ نظر باشد. از آن جهت که عقل غربی در محدوده‌ی نسبتی که انسان با پدیده‌های طبیعی برقرار می‌کند، فعلیت‌های خوبی به‌دست آورده‌است، منتها در فهم هستی‌گرفتار یک نوع سوپزکتیویته است یعنی فنومن را به‌جایِ نومن می‌گذارند و در نتیجه واقعیت را صرفاً آن می‌داند که در ذهن و فهم انسان است که البته در کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان‌الله تعالی‌علیه «عرایضی شده است. البته این موضوع، جدایِ روح استکباری غرب است که امروز غرب به شدت گرفتار آن شده است و به این معنا گروگان صهیونیسم است. موفق باشید